

## تبیین دیپلماسی جدید همسایگی چین نسبت به افغانستان

نوذر شفیعی<sup>۱</sup>

روح اله صالحی دولت آباد<sup>۲</sup>

توسعه بی سابقه روابط چین و افغانستان طی سال‌های اخیر و ورود چین به عرصه تحولات سیاسی افغانستان به عنوان یک بازیگر بی طرف حکایت از تکاپوی چین برای ایفای نقشی فعال در عرصه افغانستان آن هم پس از سی سال "سیاست صبر و انتظار" دارد. فرصت خروج ناتو از افغانستان در سال ۲۰۱۴، سبب شده تا چین در چارچوب "رهیافت ژئوپلیتیک همسایگی"، نگاه تازه‌ای به افغانستان داشته باشد؛ نگاهی که برخلاف گذشته، چین را از "یک کشور ناظر بر تحولات افغانستان" به "کشوری مداخله‌گر سازنده در افغانستان" تبدیل خواهد کرد. رهیافت ژئوپلیتیک همسایگی چین چهار ویژگی مهم سیاسی، استراتژیک، جغرافیایی و اقتصادی را در بر می‌گیرد و پکن امیدوار است در چارچوب این رهیافت بخشی از نگرانی‌های امنیتی-سیاسی و اقتصادی-تجاری خود را از ناحیه افغانستان بر طرف نماید. نگرانی‌های امنیتی چین و تغییر مهم در شرایط ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک پکن را مجبور کرده تا دیپلماسی فعال تری در قبال افغانستان در پیش بگیرد.

این مقاله در جستجوی پاسخ به این سوال است که دیپلماسی جدید چین در صحنه افغانستان از چه ماهیت و ویژگی‌هایی برخوردار است و پیامدهای آن چیست؟ و بر این فرضیه استوار است که تعامل سازنده با افغانستان، منافع استراتژیک، اقتصادی و امنیتی چین را توسعه خواهد داد که به طور مستقیم با مخاطرات امنیت ملی چین و فرصت‌های اقتصادی مرتبط می‌باشد. در واقع، افغانستان تجزیه شده، هرج و مرج و بنیادگرا، برخلاف منافع چین است و تهدیدی برای حفظ ثبات در منطقه خودمختار سین‌کیانگ است.

**واژگان کلیدی:** ژئوپلیتیک، دیپلماسی همسایگی، ناتو، جاده ابریشم، طالبان و بازی بزرگ.

Email: shafiee2@hotmail.com

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول، استادیار دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

<sup>۲</sup> دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد رشته مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

Email: Roohollahsalehi65@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۵/۳/۲۴ و تاریخ پذیرش: ۹۵/۵/۱۴

## مقدمه

عوامل جغرافیایی به ویژه همجواری همچنان به عنوان عنصر مهمی در روابط کشورها نقش آفرینی می‌کند و بدون در نظر گرفتن روابط کشورها با همسایگان، برآورد امنیت و منافع ملی آنها امری ناممکن است. شناخت میزان توانایی و آسیب پذیری کشورها، تابع شرایط جغرافیایی و ژئوپلیتیک<sup>۱</sup> هر کشور است؛ اما به عنوان یک اصل کلی در سرتاسر جهان، همسایگان نقش منحصر به فرد و ویژه‌ای در سیاست‌های راهبردی هر کشور دارند (اطاعت و احمدی، ۱۳۹۴: ۲). موقعیت ژئوپلیتیک افغانستان و همچنین تحولات بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ سبب افزایش اهمیت منطقه‌گرایی به عنوان راهکاری برای خروج این کشور از بحران شده است. بدین وسیله افغانستان ضمن ارتقای روابط دوجانبه و چندجانبه با کشورهای منطقه، در صدد است بستر حل بحران‌های داخلی خود را از طریق ارتباطات برون مرزی فراهم کند. افغانستان زمانی میدان رقابت‌های استراتژیک در قرن نوزدهم بود. بازیگران اصلی این رقابت امپراتوری بریتانیا و روسیه تزاری بودند. بازی بزرگ پیشین، بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی<sup>۲</sup> به نحو دیگری تداوم یافته است که از آن با عنوان بازی بزرگ جدید<sup>۳</sup> یاد می‌شود. بازی بزرگ جدید ابعاد متفاوتی به خود گرفته است و بازیگران بیشتری چون هند، پاکستان، چین، ایران و ایالات متحده را به عرصه رقابت کشانده است (وئوکی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۵۰-۱۵۱). از اینرو، افغانستان با توجه به داشتن مرزهای مشترک جایگاه ویژه‌ای در دیپلماسی چین پیدا کرده است (Huasheng, 2011:140). درحالی که چین مرز مشترک بسیار کمی (۹۲ کیلومتر) با افغانستان دارد، اما سیاست چین در آسیای مرکزی برای مدت طولانی آرام و محتاط بوده و بر توسعه منطقه به عنوان یک شریک اقتصادی با سین‌کیانگ<sup>۴</sup> متمرکز بوده است (Kim and Indeo, 2013:280). منافع اولیه چین در افغانستان از اهداف آن برای جلوگیری از گرایش‌های جدایی طلبانه در استان سین‌کیانگ نشأت می‌گیرد. تعامل امنیتی بین افغانستان و سین‌کیانگ آشکار است و این کشور به عنوان همسایه چین تاثیر بیشتری بر امنیت سین‌کیانگ دارد (Huasheng, 2012:3). چین همچنین از قاچاق مواد مخدر و رخدادهای افغانستان آسیب می‌بیند و به همین دلیل پکن به

<sup>۱</sup>. Geopolitics

<sup>۲</sup>. Union of Soviet Socialist Republics

<sup>۳</sup>. New Great Game

<sup>۴</sup>. Xinjiang

دنبال تقویت زیرساخت‌های افغانستان است تا از افزایش ناامنی‌ها در این کشور و سرایت آن به منطقه جلوگیری کند. به همین منظور، شرکت گروه استخراج و ذوب فلزات چین<sup>۱</sup>، بودجه ۳ میلیارد دلاری برای استخراج معادن مس عینک<sup>۲</sup> که بزرگترین سرمایه‌گذاری خارجی در افغانستان به شمار می‌رود، اختصاص داده است. همزمان با زیرساخت سازی، مسکو و پکن به طور فزاینده‌ای یکدیگر را به عنوان رقیب در افغانستان و آسیای مرکزی می‌نگرند. در حالی که امنیت آسیای مرکزی در عرصه نفوذ طبیعی روسیه است، اما انرژی و اقتصادهای آسیای مرکزی در حوزه نفوذ چین قرار گرفته‌اند (Kim and Indeo 2013: 280).

انگیزه‌های چین در افغانستان، کنترل اسلام‌گراها و جدایی طلبان سین کیانگ و همچنین محافظت از طرح‌های اقتصادی آن را در بر می‌گیرد (Daud, 2014:8). همچنین پکن در دوره ریاست شی جین پینگ<sup>۳</sup>، رئیس جمهور چین موضع بسیار مثبت‌تری در مورد آشتی بین افغان‌ها اتخاذ کرده است. چین سعی دارد، پاکستان را تشوق کند که نقش سازنده در تسهیل مشارکت در مذاکرات صلح افغانستان بازی کند. در حالی که پکن نمی‌خواهد ایالات متحده و سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)<sup>۴</sup> یک حضور نظامی دائمی در افغانستان داشته باشند، چینی‌ها از این واگه دارند که خروج کامل نیروهای ناتو از آسیای مرکزی به بی‌ثباتی و رشد تروریسم منطقه‌ای کمک کند (Kim and Indeo, 2013: 281). بدین ترتیب، اهمیت افغانستان در سیاست خارجی و دیپلماسی چین در حال افزایش است. این تنها نتیجه خلاء قدرت ناشی از خروج نیروهای آمریکایی و موقعیت‌های تغییر در خود افغانستان نیست، بلکه به خاطر این است که افغانستان به بخشی از دیپلماسی جدید همسایگی چین تبدیل شده است (Zhenmin, 2013).

این مقاله در جستجوی پاسخ به این سوال است که دیپلماسی جدید چین در صحنه افغانستان از چه ماهیت و ویژگی‌هایی برخوردار است و پیامدهای آن چیست؟ و بر این فرضیه استوار است که تعامل سازنده با افغانستان، منافع استراتژیک، اقتصادی و امنیتی چین را توسعه خواهد داد که به طور مستقیم با مخاطرات امنیت ملی چین و فرصت‌های اقتصادی

---

<sup>1</sup>. Metallurgical Corporation of China

<sup>2</sup>. Mes Aynak

<sup>3</sup>. Xi Jinping

<sup>4</sup>. North Atlantic Treaty Organization

مرتبط می‌باشد. در واقع، افغانستان تجزیه شده، هرج و مرج و بنیادگرا، برخلاف منافع چین است و تهدیدی برای حفظ ثبات در منطقه خودمختار سین‌کیانگ است. مقاله حاضر بر اساس روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع فضای مجازی، نشریات و مجلات تخصصی نوشته شده است.

### چارچوب نظری

در چارچوب نظری نوشتار حاضر از مکتب کپنهاگ<sup>۱</sup> بهره گرفته شده است. مکتب کپنهاگ بر اساس تحلیل نگارندگان، مبتنی بر دو رویکرد نظری واقع‌گرایی<sup>۲</sup> و سازه‌انگاری<sup>۳</sup> می‌باشد. اعتقاد به وجود دولت‌ها، اصالت بخشیدن به منافع ملی و محوریت مسأله امنیت در آثار مکتب کپنهاگ مبانی واقع‌گرایانه این رویکرد نظری به شمار می‌روند. در این مقاله، افغانستان و چین به عنوان دو دولت در نظر گرفته شده‌اند که منافع ملی را چراغ راهنمای خود قرار داده‌اند و در میان منافع گوناگون ملی، امنیت ملی برای چین و امنیت اقتصادی و سیاسی برای افغانستان نقطه کانونی است. در عین حال مکتب کپنهاگ هماهنگ‌ترین تلاش را در جهت بسط نظریه یا چارچوبی برای بررسی امنیت، مطابق سنت سازه‌انگاری صورت داده است (ویلیامز، ۱۳۹۰: ۱۲۹). مفهوم امنیتی ساختن یکی از مباحث بسیار مهم در مکتب کپنهاگ می‌باشد و تعریف امنیت به عنوان کنش کلامی گرانیگاه این بحث است. به عبارت مشخص‌تر، امنیتی کردن روندی است که طی آن یک بازیگر، مسأله، پویا یا بازیگر خاصی را به عنوان «تهدید وجودی» برای یک موضوع خاص امنیت اعلام می‌کند (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۳۹-۴۴۰).

توجه مکتب کپنهاگ به مطالعات امنیتی دوره پساجنگ سرد و تحولات گسترده‌ای می‌باشد که در حوزه امنیت رخ داده است. نظریه پردازان این مکتب افرادی همچون مک سوئینی<sup>۴</sup>، الی ویور<sup>۵</sup> و باری بوزان<sup>۶</sup> می‌باشند. بوزان معتقد است که مکتب کپنهاگ خود را برخوردار از روش‌های واقع‌گرا از فهم روابط بین‌الملل دانسته و پیرامون کاربرد نظریه چند بعدی و ایده جامعه بین‌المللی جهت فهم ساختار معاصر جامعه بین‌الملل و نقش قدرت‌های

<sup>۱</sup>. Copenhagen School

<sup>۲</sup>. Realism

<sup>۳</sup>. Constructivism

<sup>۴</sup>. Bill Mcsweeney

<sup>۵</sup>. Ole Waver

<sup>۶</sup>. Barry Gordon Buzan

بزرگ کوشش می‌نماید (Buzan, 2006). تز اصلی بوزان و ویور، نظریه امنیت منطقه‌ای است و بر این فرض استوار است که پایان جنگ سرد آغاز ناامنی‌های بسیار گسترده‌ای شده که ریشه در محدودیت‌های مکاتب واقع‌گرا و ابعاد امنیت دارد؛ بدین ترتیب که مکتب واقع‌گرا با تلقی دولت به عنوان یگانه موضوع امنیت و نیز مکتب جهان‌گرا با تلقی نظام بین‌المللی به عنوان یگانه عامل امنیت از کانون تکوین حرکت‌های اصلی منطقه غفلت کرده‌اند. بنابراین لازم است برای ارائه فهم مناسب از سرشت و سرنوشت امنیت به ساختار منطقه و ویژگی‌های کشورهای آن که در منطقه‌ای خاص قرار دارند و از معطل‌های امنیتی مشابهی برخوردارند، توجه کرد (نصری، ۱۳۸۴: ۵۸۶). از نظر بوزان و ویور آینده سیستم بین‌المللی تابعی از شیوه قدرت در سطوح منطقه‌ای است بنابراین این مناطق هستند که منظومه قدرت را تشکیل می‌دهند. برداشت آنها از منظومه قدرت، نوعی توجه محوری به نقش مناطق و اهمیت ژئوپلیتیک آنها در منظومه قدرت جهانی است (یونسین، ۱۳۸۴: ۵۷-۵۸). در واقع، پس از فروپاشی نظام دو قطبی این مکتب کپنهاگ بود که «نظریه امنیت منطقه‌ای<sup>۱</sup>» را به عنوان روشی مناسب و بین تحلیل ملی‌گرایانه و تحلیل بین‌الملل‌گرایانه به شمار آورد (عسگری، ۱۳۸۲: ۵۸). از نظر این مکتب، امنیت منطقه‌ای یک نظام امنیتی است که کشورهای واقع در آن اولا، دغدغه امنیتی مشابهی دارند؛ ثانياً از نظر تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی دارای خاطرات یا سرنوشت نسبتاً مشترکی می‌باشند و واحدهای تشکیل دهنده آن بر حسب نگرانی‌ها و درک و برداشت یکسان از تهدیدها به منظور ایجاد و حفظ خود تن به قواعد و سازوکارهای مشخص می‌دهند (نصری، ۱۳۸۴: ۵۹۹). بوزان از این سطح تحلیل یا مفهوم جدید با عنوان مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای یاد می‌کند. در دیدگاه بوزان، مجموعه امنیتی شامل گروهی از کشورها می‌شود که نگرانی اصلی آنها در زمینه امنیت به میزان کافی، آنها را به هم نزدیک کرده باشد. به گونه‌ای که مسائل امنیتی آنها نتواند جدا از یکدیگر در نظر گرفته شود (وٹوقی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۵۲-۱۵۳). این برداشت از سطح تحلیل امنیت، دقیقاً همان چیزی است که سرنوشت چین و افغانستان را به هم گره زده است. طالبان و جدایی سین‌کیانگ با اکثریت جمعیت اویغور<sup>۲</sup> همدیگر را قوام می‌بخشند و قوام آنها آسیب‌پذیری چین و افغانستان را به دنبال دارد و لذا باید راه حل‌های مشترکی برای برخورد با این

---

<sup>۱</sup>. Regional Security Theory

<sup>۲</sup>. Uighur

تهدیدهای مشترک یافت. ابتکار عمل‌هایی که از سوی چین ارائه شده و در خلال این مقاله به تفصیل خواهد آمد بخشی از این طرز نگرش است.

### دیپلماسی جدید همسایگی چین

روابط با دولت‌های همسایه همیشه در سیاست خارجی چین اهمیت خاصی داشته است. این یک موضوع اتفاقی نیست، بلکه مسئله تاریخی و جغرافیایی است. چین با دارا بودن بیش از ۲۲۰۰۰ کیلومتر مرزهای سرزمینی با ۱۴ کشور، بیشترین امتداد مرزها را با سایر کشورها در جهان دارد (Zeng, 2015: 245-246). از لحاظ جغرافیایی، روابط همسایگی چین به شدت پیچیده است. تعدادی از این کشورها در مجاورت چین مثل شبه جزیره کره، افغانستان، دریای چین شرقی و دریای چین جنوبی جزء مناطق بحرانی هستند (Morton, 2016: 909). همه کشورهای همسایه چین که بسیاری از آنها دولت‌های پس از استعمار به شمار می‌روند، بی‌ثبات و ناامن هستند. به علاوه، مناقشات ارضی و مرزی تاریخی بین چین و کشورهای همسایه آن چالش‌هایی را برای پکن به وجود آورده است. به همین خاطر، دیپلماسی همسایگی پکن برای تقویت روابط با همسایگان بیش از گذشته فعال تر شده است. دیپلماسی جدید همسایگی چین به تعدادی از ابتکارها اشاره دارد که تحت هدایت شی جین پینگ، به بخشی از سیاست منطقه‌ای آن تبدیل شده است (Huasheng, 2016: 893). این سیاست جدید به این معنی نیست که سیاست‌های قبلی تعلیق شده است، بلکه نشانه آن است که تنظیم، توسعه و ارتقاء سیاست‌ها هنوز هم مبتنی بر پایه‌های اصلی خود هستند. در این رابطه، شی جین پینگ به طور کامل اذعان دارد که روابط خوب همسایگی به توسعه خود چین و موفقیت در رسیدن به اهداف برای ایجاد کشور مدرن و باثبات کمک خواهد کرد. در ۲۴ اکتبر ۲۰۱۳ در حالی که دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست درباره کار دیپلماتیک با کشورهای همسایه جلسه تشکیل داده بود، شی جین پینگ در بیانیه مهم سیاسی‌اش گفت که تعامل با کشورهای همسایه باید سه بعدی، فراتر از زمان و مکان باشد و همکاری‌های امنیتی با همسایگان باید تعمیق شود. باتوجه به اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک<sup>۱</sup> منطقه، شی جین پینگ به دنبال زمینه‌های مشترک و همگرایی منافع چین و دیگر کشورهای منطقه است. رهبری جدید در تلاش است تا روابط میان همسایگان و دیگر

<sup>۱</sup>. Geo-Economics

کشورهای منطقه را برای توسعه ارتباطات در همه عرصه‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی بهبود بخشد (Pantucci, 2013 b).

دیپلماسی جدید همسایگی چین ویژگی‌های قابل توجهی دارد که مهم‌تر از همه روابط با همسایگان در اولویت‌های اصلی سیاست خارجی قرار گرفته است. در گذشته روابط با قدرت‌های بزرگ اهمیت ویژه‌ای داشت، اما با گذشت زمان سیاست همسایگی اهمیت جدیدی در دیپلماسی داخلی و سیاست خارجی چین پیدا کرده است. این تغییر اولویت به طور خاص در کنفرانس کاری "مرکزی درباره دیپلماسی همسایگی چین" که توسط کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در اکتبر ۲۰۱۳ برگزار شد، تایید شده است (Huasheng, 2016: 894).

بدین ترتیب به نظر می‌رسد، نظریه مجموعه‌های امنیتی مورد نظر مکتب کپنهاگ جای خود را در دیدگاه چینی‌ها باز کرده است. در تایید دیدگاه مکتب کپنهاگ، تاریخ روابط بین‌الملل نیز نشان می‌دهد همچنانکه قدرت‌ها رشد می‌کنند، نفوذشان در ابتدا به سمت همسایگان گسترش می‌یابد و بر مناطق اطراف برای رسیدن به توسعه و قدرت بیشتر تاکید دارند. روابط مثبت با کشورهای پیرامونی به قدرت بزرگ کمک می‌کند، محیط امنی برای خود ایجاد کند و موقعیت خود را بهبود بخشد، منابع دیپلماتیک خود را تقویت کند و نفوذ بین‌المللی خود را توسعه دهد. بدون روابط همسایگی مثبت، چین نمی‌تواند به یک قدرت بزرگ منسجم مسالمت‌آمیز تبدیل شود. اگر همسایگان چین بی‌ثبات و ناامن باشند، امنیت ملی این کشور نیز مورد تهدید قرار خواهد گرفت. اگر روابط همسایگان چین با یکدیگر و با چین تیره و تار باشند، دست چین برای گسترش همکاری و ثبات بسته خواهد بود و فعالیت دیپلماتیک و ابتکارهای سیاست خارجی پکن در عرصه منطقه و جهان به احتمال زیاد عقیم خواهند ماند (Beeson & Li, 2015: 93-109).

### پویایی دیپلماسی چین نسبت به افغانستان

در حالی که افغانستان در دهه ۹۰ میلادی در جنگ داخلی فرورفته بود، طالبان<sup>۱</sup> در سال ۱۹۹۶ کنترل این کشور را به دست گرفت و با قدرت گرفتن طالبان نگرانی‌های امنیتی در سین‌کیانگ تشدید شد (Waldman, 2014: 1049). نگرانی عمده چین از ارتباط بین

---

<sup>۱</sup>. Taliban

طالبان با تروریسم و افراط‌گرایی<sup>۱</sup> مرتبط با سازمان تروریستی ترکستان شرقی<sup>۲</sup> بود. چین همچنین نگران بود که مبدا آشوب و بی‌ثباتی از افغانستان به منطقه سین‌کیانگ توسعه پیدا کند. این مسئله سبب شد تا چین از رژیم طالبان فاصله بگیرد و روابط خود با افغانستان را قطع کند. چین رژیم طالبان را به رسمیت نشناخت و تلاشی برای بهبود روابط با آن هم انجام نداد. پس از تشکیل حکومت جدید افغانستان در ۲۰۰۲، روابط چین و افغانستان تغییر یافت و دو کشور بار دیگر روابط خود را از سر گرفتند. چین به شدت از حکومت جدید افغانستان و حامد کرزای، رئیس‌جمهور وقت آن حمایت و کمک‌هایی را به آن تحویل داد و همچنین به شدت در اقتصاد افغانستان سرمایه‌گذاری کرد (Huasheng, 2012:5-6). در سال ۲۰۱۲، پکن با تصمیم سازمان همکاری شانگهای<sup>۳</sup> برای عضویت ناظر افغانستان در این سازمان موافقت کرد. بدین ترتیب، روابط بین چین و افغانستان به طور گسترده‌ای عمیق‌تر شد و اهمیت افغانستان در نگاه چین افزایش یافت (Cordesman, 2014). افغانستان همیشه تمایل داشته است که چین یک ارتباط جاده‌ای مستقیم بسازد تا مرز باریک چین-افغانستان را از طریق «کریدور واخان»<sup>۴</sup> میان دو کشور باز کند. مرز واخان جایی نزدیک به شهر کاشغر<sup>۵</sup> و منطقه اقتصادی آن است. چین امیدوار است تا کاشغر را به موقعیت سابق آن در دوران جاده ابریشم قدیم<sup>۶</sup> بازگرداند (Lin, 2011). چنین مسیری چین را به آسیای مرکزی، اروپا و آب‌های گرم خلیج فارس<sup>۷</sup> از طریق افغانستان وصل می‌کند. به عبارت دیگر، افغانستان در قالب جاده ابریشم جهانی یک پل جدید سرزمینی اوراسیایی برای چین ارائه خواهد داد (Kuhn, 2009).

در سفر اشرف غنی<sup>۸</sup>، رئیس‌جمهور افغانستان به چین در اکتبر ۲۰۱۴، وی به شی‌جین‌پینگ پیشنهاد داد که هر دو کشور باید تلاش کنند تا یک مسیر حمل و نقل میان مرز کوتاه خودشان در نوک شرقی واخان که یک منطقه کوهستانی و ناهموار است،

<sup>1</sup>. Extremism

<sup>2</sup>. Eastern Turkistan

<sup>3</sup>. Shanghai Cooperation Organization

<sup>4</sup>. Wakhan Corridor

<sup>5</sup>. Kashgar

<sup>6</sup>. Old Silk Road

<sup>7</sup>. Persian Gulf

<sup>8</sup>. Ashraf Ghani



ایجاد کنند (Panda, 2014). در حالی که غرب فقط در حد حرف درباره «استراتژی منطقه‌ای<sup>۱</sup>» به عنوان کلیدی برای آینده افغانستان صحبت می‌کند، چین چنین رویکردی را نه در حرف، بلکه در عمل اجرا می‌کند. چین به دنبال حجم بسیار گسترده‌ای از سرمایه‌گذاری است که طرح‌های زیرساخت مثل راه‌آهن سریع‌السیر را در بر می‌گیرد. در بحث جاده ابریشم جدید<sup>۲</sup>، هیلاری کلینتون<sup>۳</sup>، وزیر خارجه سابق ایالات متحده به دنبال بازگرداندن ارتباطات سابق شرق-غرب بود و سرمایه‌گذاری گسترده در منطقه را پیشنهاد داد، اما این مطلب در حد حرف باقی ماند. وصل شدن افغانستان به آسیای مرکزی-از طریق توسعه ارتباط زمینی مستقیم بین چین، اروپا و آب‌های گرم خلیج فارس با استفاده از مسیرهای راه‌آهن و جاده‌ای- نشان می‌دهد، چین یک بازیگر جدی و توانمند در منطقه است (Muhammad khan, 2015: 6-7).

در مجموع از سال ۲۰۱۲، زمانی که نسل پنجم رهبران چین روی کار آمدند، دیپلماسی پکن در مقابل افغانستان بسیار فعال‌تر و پویاتر شد و چین از انتقال سیاسی و بازسازی افغانستان به شدت حمایت کرد. به علاوه تلاش‌های بلندپروازانه چین در ساخت جاده ابریشم اهمیت افغانستان را در استراتژی سیاست خارجی دولت جدید پکن بسیار افزایش داده است. همچنین چین به طور گسترده کمک‌های خود به افغانستان را با تقویت همکاری‌های بشردوستانه افزایش داده است (EPRC, 2015). به موازات تعقیب سیاست‌های فعال چین در افغانستان، تعامل بین رهبران و مقامات ارشد دو کشور به ویژه سفرهای مقامات چینی به افغانستان نیز افزایش یافته است. این مسئله به طور خاص در سال ۲۰۱۴، وقتی نیروهای ایالات متحده و ناتو پس از ۱۳ سال از این کشور خارج شدند، واضح بود. در نوامبر ۲۰۱۴، گوئو شنگکون<sup>۴</sup>، وزیر امنیت عمومی و مشاور دولتی چین به افغانستان سفر کرد و درباره همکاری دوجانبه برای سرکوب فعالان تروریستی مرتبط با جنبش اسلامی ترکستان شرقی با مقامات افغان گفتگو کرد (Guo Shengkun, 2014). در نوامبر ۲۰۱۴، کی جیانگوئو<sup>۵</sup>، معاون رئیس ستاد ارتش آزادیبخش خلق چین هم به عنوان فرستاده ویژه

---

<sup>1</sup>. Regional Strategy

<sup>2</sup>. New Silk Road

<sup>3</sup>. Hillary Clinton

<sup>4</sup>. Guo Shengkun

<sup>5</sup>. Qi Jianguo

رئیس جمهور چین به افغانستان سفر کرد و در کابل با مشاوران امنیت ملی افغانستان، وزیر دفاع، وزیر کشور، رئیس امنیت ملی و رئیس ستاد ارتش افغانستان دیدار کرد. در فوریه ۲۰۱۶، فانگ فونگ هوی<sup>۱</sup>، رئیس ستاد مشترک کمیسیون نظامی مرکزی چین نیز با اشرف غنی دیدار کرد (Afghan president, 2016).

دیدارهای متعدد دیپلمات‌های ارشد، مقامات دفاعی و امنیتی چین طی دو سال از زمان تشکیل حکومت در افغانستان بی‌سابقه بوده است و به وضوح نشان می‌دهد که اهمیت افغانستان در نگاه پکن افزایش یافته است. در اکتبر ۲۰۱۴، اشرف غنی پس از انتخاب شدن به عنوان رئیس جمهور در اولین سفر خارجی به چین رفت (Xi Jinping, 2014). انتخاب چین به عنوان اولین مقصد خارجی اشرف غنی نشان می‌دهد، دولت افغانستان به خوبی درک کرده است که چین می‌تواند در آینده افغانستان نقش مهمی بازی کند. در واقع، بیانیه مشترکی که پس از دیدار اشرف غنی از پکن صادر شد، تایید می‌کند که چین و افغانستان شراکت استراتژیک خود را عمیق‌تر کرده و همکاری‌ها در امور سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، بین‌المللی و امنیتی را توسعه خواهند داد (Joint statement, 2014). همزمان با همکاری دوجانبه با افغانستان، چین مجموعه‌ای از ابتکارها را در منطقه برعهده گرفته است تا همکاری منطقه‌ای را برای حمایت از توسعه و تحول اقتصادی در افغانستان تسهیل کند. بنابراین در سال ۲۰۱۱ گفتگوهای منطقه‌ای با عنوان سازوکار «قلب آسیا» متشکل از ۱۴ کشور محلی و ۱۷ کشور از سراسر جهان ایجاد شد تا همکاری سیاسی، اقتصادی و امنیتی در افغانستان و مناطق مجاور را ترویج دهد و همچنین سطحی از مذاکره را فراهم کرد تا درباره مسائل منطقه‌ای بحث کنند و به طور ویژه، همکاری سیاسی، اقتصادی و امنیتی بین افغانستان و همسایگان آن را تشویق کند تا با تهدیدهای مشترک مثل تروریسم، مواد مخدر و افراط‌گرایی مقابله کنند (Huasheng, 2016: 902). در اکتبر ۲۰۱۴، چین میزبان چهارمین کنفرانس وزرای "فرایند استانبول"<sup>۳</sup> در مورد افغانستان بود. در مذاکرات استانبول که از طریق آن سازوکار همکاری چندجانبه توسط کشورهای منطقه پیگیری شد، چین ابراز امیدواری کرد تا این سطح مذاکره به عنوان مبنایی برای پیشرفت افغانستان به کار گرفته

<sup>۱</sup>. Fang Fenghui

<sup>۲</sup>. Heart of Asia

<sup>۳</sup>. Istanbul Process

شود. پنج اصل مطرح شده توسط "لی که چیانگ"<sup>۱</sup>، نخست وزیر چین طی کنفرانس عبارت بودند از؛ نخست، افغانستان باید توسط خود افغان‌ها مدیریت و رهبری شود، دوم؛ مصالحه سیاسی باید برای کسب یک راه‌حل سیاسی باشد که مورد قبول همه طرف‌ها باشد، سوم، برای بازسازی اقتصادی باید تلاش شود، چهارم، مسیر افغانستان باید برای توسعه و حمایت خارجی فراهم گردد (Li Keqiang, 2014).

در کل، ۴۶ کشور و سازمان بین‌المللی در این نشست حضور داشتند و در قیاس با سه کنفرانس قبلی رشد و پیشرفت قابل توجهی را نشان می‌داد. کنفرانس وزرا در پکن در پیش بردن کنفرانس فرایند استانبول موفق بود و اعلامیه پکن در نتیجه ۶۴ برنامه همکاری با اهمیت ویژه را صادر کرد (Yi, 2011). همچنین، پکن مذاکرات دوجانبه و سه جانبه را با بازیگران مهم در منطقه مثل روسیه، هند، پاکستان و ایران شروع کرده است. هر یک از این کشورها در حل مسائل مرتبط با صلح و ثبات در افغانستان نقش حیاتی بازی می‌کنند. همچنین پکن سازوکارهای دوجانبه با پاکستان و ایران، سازوکارهای چندجانبه با روسیه و هند، روسیه و پاکستان، افغانستان و پاکستان ایجاد کرده است تا در مورد مسائل افغانستان با این کشورها همکاری کند. در سال ۲۰۱۵، مذاکرات سه جانبه چین-روسیه - پاکستان یک بار، مذاکرات سه جانبه چین-روسیه- هند دو بار و مذاکرات سه جانبه چین-افغانستان- پاکستان چهار بار برگزار شدند. در فوریه ۲۰۱۵، مذاکرات چین-افغانستان- پاکستان درباره وضعیت مذاکرات استراتژیک سه جانبه افزایش یافت و گفتگوهای اولیه در کابل برگزار شد (MFA, 2015).

در مارس ۲۰۱۵، وانگ یی<sup>۲</sup>، وزیر خارجه چین به افغانستان سفر کرد و حمایت کشورش را برای انتقال سیاسی، اقتصادی و امنیتی افغانستان اعلام کرد. طی این دیدار، وانگ یی از جامعه بین‌الملل خواست تا کمک‌های ضروری به افغانستان را به چهار روش عمده فراهم کنند: به مردم افغان کمک کنند تا باهم کار کرده و یک حکومت باثبات ایجاد کنند؛ از مصالحه سیاسی میان همه جناح‌ها مثل طالبان حمایت کنند و به بازسازی اقتصاد افغانستان و ورود این کشور به همکاری منطقه‌ای کمک کنند (Yi, 2015). به موازات تلاش‌های سیاسی، کمک‌های مالی و اقتصادی چین از افغانستان نیز به طور آشکار افزایش یافته است. بین ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۳، چین مبلغ ۲۵۰ میلیون دلار کمک بشردوستانه را فراهم کرد و بیش از

---

<sup>1</sup>. Li Keqiang

<sup>2</sup>. Wang Yi

۱۰۰۰ نیروی حرفه‌ای افغان را آموزش داد (MFA, Aug 2014). تنها در سال ۲۰۱۴، چین ۱۱۰ میلیون دلار کمک بشردوستانه به افغانستان فراهم کرد و وعده داد تا ۳۳۰ میلیون دلار دیگر را تا سه سال آینده تامین کند. چین همچنین با آموزش ۳۰۰۰ نیروی حرفه‌ای افغان موافقت کرد و ۵۰۰ بورسیه را برای افغان‌ها طی پنج سال از ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ فراهم کرد. همه این تعهدها به مراتب بیش از سطوح قبلی بودند (Huasheng, 2016: 903). در سفر رئیس ستاد ارتش چین به افغانستان در مارس ۲۰۱۶، پکن با کمک ۷۳ میلیون دلاری به بخش نظامی افغانستان موافقت کرد. رئیس ستاد ارتش چین در دیدار با رئیس جمهور افغانستان اظهار داشت، «موقعیت افغانستان برای کمربند اقتصادی چین از ارزش حیاتی برخوردار بوده؛ اما تروریسم برای این کمربند اقتصادی یک تهدید بزرگ است از این جهت کشور چین بر مبارزه علیه این پدیده تاکید می‌کند» (Xinhua, March 2016).

به علاوه، چین ۴,۴ میلیارد دلار از طریق دو شرکت خود یعنی شرکت استخراج و ذوب فلزات چین و شرکت مس "جیانگ‌ژی"<sup>۱</sup> در معادن مس عینک افغانستان و یکی از بزرگترین معادن مس جهان سرمایه‌گذاری کرده است. این امر آغازی برای فعالیت‌های معدنی چین در افغانستان است؛ جایی که گفته می‌شود، معادنی به ارزش یک تریلیون دلار را در خود جای داده است. ذخایر بزرگ لیتیوم یکی از این معادن است که می‌تواند این کشور را به حد ذخایر لیتیوم عربستان سعودی برساند. همچنین معادن سنگ آهن به ارزش ۴۲۱ میلیارد دلار و معادن مس به ارزش ۲۷۳ میلیارد دلار در افغانستان تخمین زده می‌شود. علاوه بر این، در شمال افغانستان به ویژه در پایین دست حوزه آمودریا<sup>۲</sup> منابع غنی هیدروکربن وجود دارد (Downs, 2014).

### تعقیب امنیت در پرتو همکاری‌های اقتصادی

چین در چارچوب فکری مکتب کپنهاک درصدد است با کمک به توسعه اقتصادی افغانستان و ایجاد امنیت در این کشور زمینه تاثیرگذاری افراط‌گرایی بر سین کیانگ از ناحیه افغانستان را دور کند و با توسعه اقتصادی سین کیانگ از طریق افغانستان زمینه جدایی طلبی را در این منطقه از بین ببرد. از این رو، اگرچه روابط سیاسی، تجاری و

<sup>۱</sup>. Jiangxi

<sup>۲</sup>. Amu Daria

همکاری اقتصادی دو کشور به سال ۱۹۵۵ و سپس امضای پیمان همکاری اقتصادی و فنی در سال ۱۹۶۴ بازمی‌گردد، اما در سال‌های اخیر، تجارت بین دو کشور به طور مستمر افزایش یافته است و چین به یکی از شرکای اصلی اقتصادی افغانستان تبدیل شده است. نگاه به حجم تجارت چین و افغانستان به این حقیقت خاص اشاره دارد که محیط برای همکاری اقتصادی افغانستان و چین مساعد است. تنها بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۰ حجم تجارت دو کشور به طور قابل توجهی به بالاترین میزان خود رسید و حجم صادرات چین از ۱۹,۹۱ میلیون دلار به ۷۰۴ میلیون دلار افزایش یافت. همچنین یک افزایش قابل توجهی در حجم واردات چین از افغانستان وجود دارد که از ۰.۸ میلیون دلار به ۱۱,۷ میلیون دلار رسید (Huasheng, 2012: 7). به علاوه در ماه آگوست ۲۰۱۶، برای اولین بار در تاریخ روابط چین و افغانستان، خط ریلی با هدف انتقال مستقیم کالاهای تجارتي بین دو کشور در شهر هایمن<sup>۱</sup> ایالت جیانگسوی<sup>۲</sup> چین با حضور سفیر افغانستان در این کشور، مقامات دولتی چین و شماری از تاجران افغان افتتاح گردید. جانان موسی زی<sup>۳</sup>، سفیر افغانستان در پکن در زمان افتتاح این خط ریلی گفت، «این خط ریلی که در چارپوب برنامه «یک کمربند، یک جاده»<sup>۴</sup> و با تلاش سفارت افغانستان در پکن ایجاد شده است، قرار است، ماهانه دو بار کانتینرهای حامل کالاهای تجاری را به وزن ۲۹ تن از ایستگاه شهر هایمن به مقصد افغانستان از مسیر کشورهای قزاقستان و ازبکستان به بندر حیرتان<sup>۵</sup> در ولایت بلخ انتقال دهد». وی همچنین تاکید که این خط ریلی سنگ مرمر، زعفران، خشکبار و سایر اقلام صادراتی را از افغانستان به چین منتقل می‌کند (Middle East Press, August, 2016). از سوی دیگر، حکومت افغانستان و آژانس‌های کمک کننده با تعدادی از شرکت‌های چینی برای تنوع دادن به عرصه فعالیت‌های بازسازی قرارداد منعقد کرده‌اند. افغانستان منابع طبیعی فراوانی مثل مس، آهن، ذغال سنگ، فلزات گرانبها، سنگ مرمر، لیتیوم، سنگ‌های قیمتی و انواع هیدروکربن‌ها را دارد و مقداری از این منابع کشف شده‌اند و بسیاری از آنها به خاطر درگیری‌های داخلی هنوز بدون اکتشاف باقی مانده‌اند. بر اساس بررسی‌های

---

<sup>۱</sup>. Hyman

<sup>۲</sup>. Jiangsu

<sup>۳</sup>. Janan Mosazai

<sup>۴</sup>. One Belt One Road

<sup>۵</sup>. Hairatan

زیست‌شناسان افغان و آمریکایی که بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ انجام شده است، ذخایر مس، جیوه، عناصر خاکی کمیاب، گوگرد، کرومیت، پنبه کوهی، سرب سیاه، شن و سنگ ریزه در بیش از ۲۰ منطقه معدنی پیدا شده است. این بررسی‌ها نشان می‌دهد که مس و آهن شناخته شده‌ترین ذخایر معدنی افغانستان هستند. کل منابع مس در افغانستان به ۶۰ میلیون تن می‌رسد که بیشتر ذخایر مس در معادن «عینک» قرار دارند که حدود ۳۰ میلیون تن تخمین زده می‌شود. منابع مس در سنگ‌های آذرین کشف نشده و ذخایر اسکارن<sup>۱</sup> به اضافه مولیبدنیوم<sup>۲</sup>، طلا و منابع نقره هم حدود ۲۸,۵ میلیون تن مس تخمین زده شده است. ذخایر رسوبی آهن در منطقه «حاجی گاک»<sup>۳</sup> و اطراف آن حدود ۲,۲۶۰ میلیون تن سنگ آهن تخمین زده شده است. چین سهم قابل توجهی در زمینه توسعه منابع طبیعی و زیرساخت‌های افغانستان دارد. در ۲۰۰۷، شرکت استخراج و ذوب فلزات چین و شرکت مس جیانگ‌ژی توافق کردند تا بزرگترین سرمایه‌گذاری خارجی با مبلغ ۳,۵ میلیارد دلار در افغانستان انجام دهند، چیزی که زیست‌شناسان معتقد هستند، دومین ذخایر بزرگ مس توسعه نیافته جهان در منطقه عینک در استان لوگار<sup>۴</sup> در ۳۵ کیلومتری جنوب کابل قرار دارد. ارزش این ذخایر مس در حدود ۱ تا ۳ تریلیون دلار تخمین زده می‌شود (Muhammad Khan, 2015: 4-7).

علاوه بر این، چین در ۲۰۱۱ یک توافق اکتشاف نفت با افغانستان امضا کرده است و لذا این توافق این امکان را فراهم می‌کند تا پکن ۷ میلیارد دلار در ۲۵ سال آینده به دست بیاورد (AFP, 2011). در سال ۲۰۱۱، شرکت ملی نفت چین و شریک افغانی آن "شرکت نفت و گاز وطن"<sup>۵</sup> سه منطقه نفتی را در استان‌های سرپل<sup>۶</sup> و فاریاب<sup>۷</sup> در شمال شرقی افغانستان کشف کردند. شرکت ملی نفت چین و شریک افغانی آن در حال اکتشاف نفت خام از ذخایر نفتی حوزه آمودریا در منطقه شمالی افغانستان نیز هستند. حوزه آمودریا بیش از ۸۷ میلیون بشکه ذخایر نفت خام را در اختیار دارد. علاوه بر این، تخمین زده می‌شود بیش از ۱,۶

<sup>1</sup>. Skarn Deposits

<sup>2</sup>. Molybdenum

<sup>3</sup>. Haji Gak

<sup>4</sup>. Logar

<sup>5</sup>. Watan Oil & Gas

<sup>6</sup>. Sari-i-Pul

<sup>7</sup>. Faryab

میلیون بشکه نفت خام، ۱۶ تریلیون متر مکعب گاز طبیعی و ۵۰۰ میلیون بشکه گاز مایع در منطقه شمالی افغانستان وجود داشته باشد (Downs, 2013:65-67).

برداشت کلی این است که چینی‌ها کمک‌های اقتصادی گسترده‌ای را به افغانستان پیشنهاد می‌کنند تا در مقابل دیگر شرکت‌های خارجی بدون رقیب باشد. از سوی دیگر، چین در سال ۲۰۰۹ به دولت افغانستان پیشنهاد داده تا یک نیروگاه و یک راه‌آهن برای خدمات معدنی بسازد که بتواند تقریباً سرمایه‌گذاری بیشتری انجام دهد و تسهیلات آن برای مردم محلی نیز سودمند خواهد بود. با توجه به اینکه نیروهای آمریکایی برای زندگی کردن در افغانستان جان خود را در خطر می‌بینند این شرکت‌های چینی هستند که مزایای اقتصادی را به دست می‌آورند (Daishi, 2009). علاوه بر این به لحاظ استراتژیک چین به دنبال آن است افغانستان را به عنوان پل ارتباطی بین جنوب غربی و جنوب شرقی آسیا تبدیل کند. افغانستان دروازه‌ای مناسب در سراسر اقیانوس هند و منطقه کلیدی برای توسعه اقتصادی است و برآورد چین این است که از طریق ایجاد ثبات در افغانستان می‌تواند به آن دست پیدا کند (Howenstein, 2009: 128-131 Ganguly &). چین معتقد است، افغانستان یک مسیر اقتصادی به آسیای مرکزی و یک مقصد مهم برای فرصت‌های سرمایه‌گذاری است. پکن ظرفیت‌های اقتصادی زیادی را برای ایجاد زیرساختی که شمال افغانستان را به آسیای مرکزی و خودش ارتباط دهد، به کار گرفته است. این مسیرهای اقتصادی برای انتقال طرح گاز «تاپی»<sup>۱</sup> از مزارشریف به استان قندوز<sup>۲</sup> و سپس مرز واخان مهم هستند. این طرح برای اجرای طرح‌های توسعه‌ای چین در سین‌کیانگ مهم است که با اجرای آن، قدرت اقتصادی چین و استان سین‌کیانگ در کشورهای همسایه افزایش می‌یابد (Reeves, 2013: 24).

علاوه بر این، اهداف چند بعدی چینی‌ها برای رونق اقتصادی، دسترسی به منابع معدنی نسبتاً غیرفعال در آسیای مرکزی و افغانستان است. این با استراتژی بزرگ چین مرتبط است و مطابق با نظریه امنیتی بوزان است که می‌گوید دولت به دنبال افزایش قدرت نرم خود میان همسایگان است تا امنیت و نفوذ خود را حفظ کند. بنابراین، چین استراتژی بزرگی را در جهت آسیای مرکزی از طریق افغانستان در نظر گرفته است. این یک استراتژی با سود متقابل برای اقتصاد ضعیف افغانستان و ایجاد تنوع تجارت در کل منطقه است. چین قصد دارد، سین‌کیانگ را

---

<sup>1</sup>. Turkmenistan Afghanistan Pakistan India

<sup>2</sup>. Kunduz

به عنوان صنعت پایه در چارچوب استراتژی دولت در منطقه تبدیل کند با این هدف که سین‌کیانگ به عنوان یک مرکز حمل و نقل برای منابع آسیای مرکزی باشد (Pant, 2010: 8). چین خطوط لوله نفت و گاز از طریق ایران به سین‌کیانگ را از طریق افغانستان نیز تعقیب می‌کند. چین از این طرح سه هدف دارد: نخست به دنبال تنوع بخشیدن به تجارت با دولت‌های آسیای مرکزی، ایران و افغانستان است؛ مرحله بعد، امنیت سین‌کیانگ را تامین و آن را تبدیل به کریدور ترانزیت انرژی می‌کند. علاوه بر این از این طریق نفوذ خود را به آسیای غربی و آسیای مرکزی و منطقه جنوب آسیا گسترش می‌دهد (Dhaka, 2013:98). در نتیجه، موقعیت افغانستان فرصت‌های بسیار زیادی را برای چین فراهم می‌کند تا در سیاست همسایگی خود تجدید نظر کرده و منافع پیرامونی را به خوبی به پیش ببرد.

### منافع امنیتی چین و چالش‌های پیش رو

اگرچه چین در ذخایر فراوان افغانستان ذی‌نفع است، اما موضوع امنیت برای پکن اولویت بیشتری دارد. طرح معادن مس عینک به خاطر تهدید طالبان برای اردوگاه‌های چینی که در محیط ناامن برای کارگران چین ساخته شده‌اند، متوقف شده است. اگر ناامنی ادامه یابد افغانستان احتمالاً فرصت‌های سرمایه‌گذاری را از دست می‌دهد که زیان‌های اقتصادی بیشتری برای کشور ضعیف و فقیر افغانستان در پی دارد (Lynne, 2014). وضعیت افغانستان، ناتوانی دولت افغانستان در تامین امنیت پس از خروج نیروهای ناتو را اثبات می‌کند زیرا افغانستان حتی قادر نیست حقوق نیروهای پلیس خود را که مسئول حفظ امنیت دولت هستند، پرداخت کند (Missy, 2015). بنابراین، چالش‌های اقتصادی و امنیتی نگرانی‌های اصلی چین نسبت به افغانستان هستند (Ludwig, 2013:396). بنابراین افغانستان مجموعه چالش‌هایی را برای چین به وجود آورده است؛ اول، افغانستان از سال ۱۹۸۰ در یک سلسله از جنگ‌ها و درگیری‌ها فرو رفته است. افغانستان برای ۱۰ سال توسط شوروی سابق اشغال شده بود، ۱۱ سال جنگ داخلی را تجربه کرده است و برای ۱۵ سال میدان جنگ ایالات متحده علیه تروریسم بوده است. جنگ طولانی مدت و بی‌ثباتی این کشور را تخریب، اقتصاد را ضعیف و مردم را بی‌بضاعت کرده است. این شرایط نه تنها صلح و ثبات افغانستان را از بین برده است، همچنین تاثیرات منفی بر مناطق مرزی و کشورهای منطقه داشته‌اند. اگرچه مرز بین چین و افغانستان کوتاه است و مدت‌ها یک نقش ثانویه در



دیپلماسی همسایگی بازی کرده است، اما فقدان صلح و ثبات در افغانستان یک نگرانی دائم برای حکومت پکن باقی می‌ماند و در کل مرزهای غربی آن را آسیب پذیر می‌کند. برای مثال، افغانستان به یکی از بزرگ‌ترین منابع قاچاق مواد مخدر به چین تبدیل شده است. مساله دوم که بیشتر اهمیت دارد، امنیت داخلی و بی‌ثباتی منطقه خودمختار اویغورنشین سین‌کیانگ است که به طور خاص در مقابل گسترش تروریسم و افراط‌گرایی از افغانستان آسیب پذیر است (SCIF, 2002).

تروریست‌های افغانستان و پاکستان و عرب با جنبش اسلامی ترکستان شرقی در سین‌کیانگ همکاری دارند و تلاش می‌کنند مشکلات امنیتی در سین‌کیانگ ایجاد کنند. بدتر از آن، آنها تهدیدهای خود را به شهرهای دیگر نیز گسترش داده‌اند که نه تنها به طور جدی بر امنیت اجتماعی و سیاسی سین‌کیانگ، بلکه بر کل چین تاثیر خواهد داشت. در چنین موقعیت‌هایی، اهمیت افغانستان برای امنیت ملی چین روشن است. اگر افغانستان باثبات نباشد به پرورش کودکان برای تروریسم و افراط‌گرایی کمک خواهد کرد و همچنان به عنوان یک منبع فشار خارجی به سین‌کیانگ باقی خواهد ماند و عامل قدرتمندی است که حل مشکلات امنیتی را دشوار خواهد کرد. سوم، تروریسم و بی‌ثباتی در افغانستان نه تنها بر چین تاثیر خواهد گذاشت، بلکه به کشورهای همجوار به خصوص آسیای مرکزی نیز تاثیر خواهد داشت، کشورهایی که ۲۳۰۰ کیلومتر مرز مشترک با افغانستان و ۳۳۰۰ کیلومتر مرز مشترک با چین دارند (Huasheng, 2016: 900-901). اگر تروریسم و افراط‌گرایی در آسیای مرکزی بدون کنترل مجاز به رشد باشند به طور جدی بر سین‌کیانگ تاثیر خواهد داشت زیرا همه مرزهای چین با کشورهای آسیای مرکزی مثل مرز با افغانستان کوتاه نیستند و بنابراین به راحتی قابل کنترل و بسته شدن نیستند. مرزهای چین با سه کشور آسیای مرکزی (قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان) طولانی هستند و جمعیت زیادی از این مرزها عبور می‌کنند. این مرزها نمی‌توانند، بسته باشند و بنابراین بیشتر در معرض گسترش تروریسم و افراط‌گرایی هستند. چهارم، آنکه هر بی‌ثباتی یا فقدان کنترل حکومتی در آسیای مرکزی به طور مستقیم امنیت اقتصادی چین به ویژه، امنیت خطوط لوله‌های نفت و گاز را به خطر می‌اندازد. در حال حاضر، دو خط لوله نفتی و چهار خط لوله گاز بین چین و آسیای مرکزی وجود دارد که در معرض خطر تروریسم و افراط‌گرایی قرار دارند. در مقیاس گسترده‌تر، آسیای مرکزی دروازه غربی برای جاده ابریشم چین است. اگر آسیای مرکزی

بی‌ثبات باشد ساخت کمربند اقتصادی جاده ابریشم به طور گسترده مشکل یا حتی غیرممکن خواهد بود. پنجم و در نهایت باید توجه داشت که افغانستان در تقاطع آسیای مرکزی، غربی و جنوبی قرار گرفته است و بنابراین اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ویژه‌ای دارد. افغانستان یک عامل اجتناب‌ناپذیر در هر نوع همکاری در این مناطق است. از بعد منفی، افغانستان مثل قفلی است که می‌تواند آسیای مرکزی، جنوبی و غربی را از یکدیگر قطع کند. از بعد مثبت، افغانستان کلیدی است که می‌تواند درب همکاری بین این مناطق را بگشاید. این کشور می‌تواند به هر دو کمربند اقتصادی جاده ابریشم متصل شود. تنها وقتی قفل افغانستان باز شود کمربند اقتصادی جاده ابریشم چین می‌تواند از لحاظ اقتصادی، مالی و اجتماعی بین این مناطق ارتباط برقرار کند، اما اگر قفل افغانستان بسته باقی بماند تا حد زیادی مانع هر گونه پیشرفت در اجرای این طرح خواهد شد (EPRC, 2015).

در ژوئن ۲۰۱۲، چین و افغانستان تصمیم گرفتند تا چارچوبی برای همکاری استراتژیک بین دو کشور شکل دهند و بر این اساس هر دو طرف با همکاری استراتژیک مبتنی بر منشور سازمان ملل و دوستی دیرینه موافقت کردند. این همکاری استراتژیک از منافع ملی هر دو کشور محافظت خواهد کرد، تلاش‌ها برای حفظ دوستی دیرینه بین دو کشور را تقویت خواهد کرد و حمایت از بخش‌های امنیتی، فرهنگی، مالی و سیاسی را توسعه خواهد داد. هر دو طرف تصمیم گرفتند تا از مسائل مشترک یکپارچگی ملی، وحدت و محافظت از سرزمین حمایت کنند و اجازه ندهند خاک آنها علیه طرف دیگر مورد استفاده قرار گیرد. اشرف غنی بیشتر تمایل دارد تا با استراتژی مشترک با تروریسم خارجی مبارزه کند مثل حامد کرزای، رئیس‌جمهور وقت افغانستان که در زمان ملاقاتش با هو جین تائو<sup>۱</sup> در پکن در سال ۲۰۱۲ موافقت کرد تا همکاری در زمینه امنیت و مبارزه علیه تروریسم و همکاری اطلاعاتی به روز را ایجاد کند. چین تلاش می‌کند تا مطمئن شود که جنبش اسلامی ترکستان شرقی در منطقه غربی سین‌کیانگ پس از خروج نیروهای ائتلاف ناتو از افغانستان، تحت تاثیر طالبان قرار نخواهد گرفت. یک تحول مهم در این زمینه، گفتگوی استراتژیک سه جانبه چین-پاکستان-افغانستان است که دور اول آن در فوریه ۲۰۱۵ در

---

<sup>1</sup>. Hu Jintao

کابل برگزار شد. در آن اجلاس با تمرکز بر صلح و ثبات، پاکستان و چین مجدداً بر حمایت خود در روند آشتی افغانستان تأکید کردند (Muhammad Khan, 2015: 4).

### اهداف نهایی و استراتژیک چین در افغانستان

دیپلماسی فعال تنها یک ابزار نه یک هدف است. چه چیزی دیپلماسی فعال چین را در جهت افغانستان به پیش می‌برد؟ هدف استراتژیک چین چیست؟ دو اصل بین‌المللی و داخلی برای جواب این سوال‌ها وجود دارد. اصل بین‌المللی از نگرانی درباره خلاء قدرت ناشی از خروج نیروهای آمریکایی و ناتوانی افغانستان ناشی می‌شود که وضعیت نامعلومی را برای آینده افغانستان و همچنین چالش‌هایی را برای معماری امنیت منطقه ایجاد می‌کند. این مسئله چین را مجبور می‌کند تا مسئولیت منطقه‌ای بیشتری برعهده بگیرد. اصل داخلی هم به نگرانی‌های امنیتی چین در سین‌کیانگ مربوط می‌شود. مشارکت افغانستان در ساخت جاده ابریشم جدید به خصوص در رابطه با توسعه زیرساخت‌ها و اتصال ضروری است. افغانستان یکی از دروازه‌هایی است که چین از طریق آن می‌تواند به ایران و غرب آسیا دسترسی داشته باشد. از لحاظ جغرافیایی، چند مسیر وجود دارد؛ یک مسیر به طور مستقیم از طریق پاکستان و افغانستان به ایران است، مسیر دیگر از طریق قزاقستان یا ازبکستان به ترکمنستان و ایران است. اولویت چین برای مسیر تردد کالا از طریق تاجیکستان و افغانستان به ایران است (Ministry of Transport, 2015). از مزایای این مسیر کوتاه بودن آن است و به چین این فرصت را می‌دهد تا طرح‌های خود را در تاجیکستان و افغانستان توسعه دهد. چین همچنین برای سرمایه‌گذاری‌های خود در توسعه معادن مس عینک و میدان نفتی آمودریا در شمال افغانستان منافع اقتصادی را دنبال می‌کند (IRA, 2013). هر دو این طرح‌ها با مشکلات زیادی مواجه هستند و چین در حال مذاکرات مداوم با دولت افغانستان است تا به موفقیتی در این زمینه دست پیدا کند (Deng, 2015).

به طور سنتی، چین مواظب بوده تا در سیاست‌های داخلی افغانستان درگیر نشود و سعی نکرده تا در درگیری‌های داخلی این کشور نقش میانجی داشته باشد. به نظر می‌رسد این وضعیت با اقداماتی که چین در پیش گرفته تا بن بست افغانستان را شکسته و فرایند مصالحه سیاسی در این کشور را به پیش ببرد، تغییر یابد. در فوریه ۲۰۱۵، وزیر خارجه چین تأکید کرد که افغانستان برای مدت طولانی از انقلاب، فقر و جنگ آسیب دیده است و زمان

آن فرارسیده تا این مرحله پایان یابد. در مقایسه با بیانیه‌های قبلی حکومت چین این اعلامیه یک نوع جدیدی از اعتماد را در فشار آوردن برای حل کشمکش داخلی افغانستان ارائه داد و یک تغییر در رویکرد چین به شمار می‌رود. در ژانویه ۲۰۱۵، رسانه‌ها گزارش دادند که چین در دسامبر ۲۰۱۴ میزبان یک گروه از نمایندگان طالبان بود. این مسئله توجه بیشتری را جلب کرد و بعضی تحلیلگران بر این باور بودند که چین در حال تسهیل مذاکرات بین طالبان و دولت افغانستان است (Shanon, 2015). هر چند حکومت چین این موضوع را تایید نکرده است اما در کنفرانس مطبوعاتی مشترک وزیر خارجه افغانستان و چین در فوریه ۲۰۱۵، وزیر خارجه چین تاکید کرد، «پکن صادقانه از جناح‌های سیاسی افغانستان، مثل طالبان دعوت می‌کند تا فرصت را درک کنند، نارضایتی‌های گذشته را به دور بیندازند و به آینده بنگرند و در اسرع وقت در روند آشتی سیاسی در مورد طرح‌های عمده برای صلح و توسعه افغانستان مشارکت کنند». وزیر خارجه چین همین به طور صریح تاکید کرد که یکی از سیاست‌های چین در قبال افغانستان ترویج آشتی سیاسی است (Yi, Nov.2015). این امر می‌تواند یک نشانه قوی باشد که چین در حال حاضر تصمیم سیاسی برای میانجیگری در مصالحه سیاسی داخلی در افغانستان اتخاذ کرده است. برای چین، دیپلماسی کانال منطقی برای چنین میانجیگری است. در جولای ۲۰۱۵، حکومت افغانستان و طالبان اولین دور مذاکرات رسمی صلح را با حضور مقامات ارشد چین و آمریکا در پاکستان برگزار کردند (Jethro, 2015). به طور یقین، چین در موقعیت خوبی است تا چنین میانجیگری را برعهده بگیرد. چین تصویر سیاسی نسبتاً خوبی در افغانستان دارد، همچنانکه چین به طور مداوم توسعه سیاسی در افغانستان را ارتقا می‌دهد و به استقلال و حاکمیت این کشور احترام می‌گذارد و به طور فعال مصالحه سیاسی را در آنجا ترویج می‌دهد (Yi, 2015).

علاوه بر این، چین در جنگ افغانستان از سال ۲۰۰۱ مشارکت نکرد و دوست ندارد هیچ جناح سیاسی را تحریک کند و نسبتاً به راحتی توسط همه جریان‌های داخلی افغانستان پذیرفته شده است. نکته دیگر در رفتار چین این است که روابط خوب با هر دو حکومت افغانستان و پاکستان را حفظ کرده و تلاش می‌کند تا روابط غیرتهاجمی با طالبان داشته باشد. این مسئله چین را در موقعیتی قرار داده تا بتواند با هر سه بازیگر عمده درگیر (کابل - اسلام‌آباد - طالبان) در صلح افغانستان مذاکره کند. علاوه بر این، چین روابط همکاری با ایالات متحده به عنوان بانفوذترین قدرت بزرگ در حل مشکلات افغانستان را حفظ کرده

است. چین در رویکرد خود مقابل طالبان هم محتاط بوده است و به جای اینکه اقدامات خشن طالبان را مکرر محکوم کند با لحن آرام‌تری با آن برخورد می‌کند. چین بر این باور است که طالبان تنها یک گروه مذهبی افراطی در افغانستان نیست، بلکه نیروی سیاسی واقعی است که به خوبی می‌تواند به عنوان عنصر پایدار در عرصه سیاسی افغانستان باشد. باتوجه به این ارزیابی، چین یک چشم‌انداز طولانی مدت نسبت به طالبان در پیش گرفته است. به لحاظ عملی، پکن امیدوار است تا جایی که امکان دارد، ضرر بالقوه از سوی طالبان و ارتباط تاریخی آن با جنبش اسلامی ترکستان شرقی را کاهش دهد. همچنین امیدوار است تا جایی که امکان دارد از تحریک درگیری مستقیم با طالبان پرهیز کند، زیرا معتقد است طالبان می‌تواند مشکلات بیشتری برای چین ایجاد کند (Huasheng, 2012: 8-9).

به همین دلیل در سال ۲۰۱۶ دیپلماسی چین در مقابل طالبان نرم‌تر شده است و روابط دو طرف به سمت نزدیکی هرچه بیشتر پیش می‌رود. از این رو، هیاتی از طالبان در جولای ۲۰۱۶ به چین سفر و با مقامات این کشور دیدار کردند. برخی ناظران اعلام کردند که این سفر با هدف دوجانبه انجام شده است. بر این اساس، چین قصد دارد نقش آمریکا را در افغانستان تعدیل کند و بار دیگر حضور سیاسی خود را در افغانستان پررنگ نماید و همچنین زمینه سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی خود را در بخش‌هایی که طالبان می‌تواند تاثیرگذار باشد فراهم سازد. طالبان هم درصدد است با چانه‌زنی‌های خود در سطح منطقه توجه کشورهای که به گونه‌ای رقابت پنهان یا آشکار با غرب یا ناتو در این منطقه دارند را به سوی خود جلب کند. به این ترتیب طالبان می‌خواهد که در بعد چانه‌زنی سیاسی و حتی اقتصادی، جنبه‌های مالی خود را تقویت کند و هم از این کشورها بخواهد که طالبان را به عنوان یک قدرت تاثیرگذار در تحولات سیاسی و امنیتی افغانستان به رسمیت بشناسند (Afghanpaper, July 2016).

نام مستعار پاکستان در چین "دوست آهنین"<sup>۱</sup> به معنی یک دوست کاملاً قابل اعتماد است و روابط چین و پاکستان به عنوان یک شریک استراتژیک همه جانبه توصیف شده است. با این روابط نزدیک، چین می‌تواند نسبت به دولت‌های دیگر نفوذ بیشتری در پاکستان اعمال کند. از میان روابط افغانستان با همسایگان خود، روابط با پاکستان پیچیده‌تر است. بسیاری براین باور هستند که روابط پیچیده پاکستان با طالبان یکی از دلایل اصلی برای وضعیت خطرناک فعلی افغانستان است. تحت هماهنگی چینی‌ها، افغانستان، چین و پاکستان نه تنها

---

<sup>۱</sup>. Iron Buddy

مذاکرات زیادی را برگزار کرده‌اند، بلکه سازوکاری برای گفتگوهای استراتژیک ایجاد کرده‌اند. به عنوان یک قدرت منطقه‌ای، چین نفوذ قدرتمندی دارد و یک هماهنگ‌کننده توانا در میان کشورهای همسایه افغانستان است. چنین هماهنگی می‌تواند، توسط سازمان شانگهای تسهیل شود، جایی که بیشتر همسایگان افغانستان عضو آن هستند. چین همچنین منابع اقتصادی زیادی دارد تا اهداف اقتصادی و استراتژیک خود را گسترش دهد و کمک‌های بشردوستانه تنها یک جنبه آن است که چین به افغانستان ارائه می‌دهد. مهم‌تر از آن، چین می‌خواهد تا همکاری اقتصادی خود را با افغانستان توسعه دهد و به آن کمک کند تا اقتصاد خود کفایی را توسعه دهد. همچنانکه چین کمربند جاده ابریشم را توسعه می‌دهد، بسیاری فرصت‌ها و امکانات برای همکاری به وجود می‌آیند. این مسئله منافع اقتصادی قابل توجهی به افغانستان خواهد داد و مشارکت افغانستان در پیشرفت اقتصادی منطقه را توسعه خواهد داد. چین با ایجاد ثبات در افغانستان به دنبال بهبود پیشرفت اقتصادی این کشور است و معتقد است که مردم و دولت افغانستان باید یک نوعی از مدل اقتصادی را بپذیرند که با شرایط و خصوصیات ویژه این کشور مطابقت داشته و قادر باشد آرمان‌های ملی آن را تحقق بخشد (The World, 2014).

### چین و خلاء امنیتی افغانستان

ایده پرکردن خلاء یک مفهوم آشکاری است که از تفکر واقع‌گرایی درباره درگیری قدرت‌های بزرگ در رقابت‌های ژئوپلیتیک برای هژمونی منطقه تاثیر پذیرفته است. به هر حال، الگوی اولیه روابط بین چین، ایالات متحده و اروپا در افغانستان یک همکاری به جای رقابت است. استقرار نیروهای آمریکایی و ناتو در افغانستان که در دوره به اصطلاح "جنگ علیه ترور"<sup>۱</sup> اتفاق افتاد، مربوط به یک شرایط خاص و موقت بود. از این‌رو، خروج نیروهای خارجی از افغانستان بیانگر بازگشت به حالت عادی امور است. به عبارت دیگر، خروج نیروهای آمریکایی و ناتو از افغانستان یک خلاء نیست، بلکه بر عکس، وضعیت افغانستان به حالت عادی بازگشته است. به هر حال، خروج این نیروها یک آینده غیرقابل پیش‌بینی برای افغانستان به میراث گذاشته است. مخاطرات مربوط به وضعیت امنیتی در افغانستان در حال

<sup>۱</sup>. War on Terror

تشدید است. به عنوان یک قدرت منطقه‌ای، چین تمایل دارد تا مسئولیت بیشتری را با در نظر گرفتن حفظ ثبات و امنیت در افغانستان، هم به خاطر منافع خودش و هم به خاطر منافع منطقه برعهده بگیرد. اما این امر فقط یک برداشت چینی است. در ایالات متحده بعضی ممکن است از افزایش نفوذ چین در افغانستان، بدین دلیل که بخشی از نفوذ آنها در افغانستان از دست می‌رود، نگران باشند (Khalilzad, 2014). هرچند از زمان خروج بخش عمده‌ای از نیروهای آمریکایی از افغانستان در دسامبر ۲۰۱۴، روابط دوجانبه افغانستان و چین توسعه یافته است، اما به چند دلیل چین موقعیت سابق ایالات متحده در افغانستان را نخواهد گرفت. نخست، چین تمایل ندارد نیروهای خود را به افغانستان اعزام کند. به علاوه، نیروهای چینی نمی‌توانند جایگزین نیروهای آمریکایی و ناتو شوند حتی اگر پکن اراده چنین کاری را می‌داشت. همچنین پکن به دنبال این نیست که با ارتش افغانستان به هر روشی درگیر شود. دوم، چین تمایل ندارد تا افغانستان را تحت نفوذ انحصاری خود درآورد یا با این کشور به عنوان بخشی از حوزه نفوذ خود رفتار کند. سوم، چین هیچ تمایلی به صدور مدل اقتصادی و سیاسی خود به افغانستان را ندارد. بنابراین، ایالات متحده که پیمان امنیتی دوجانبه با افغانستان دارد به اعمال نفوذ گسترده خود در امور امنیتی و سیاسی افغانستان ادامه می‌دهد. به عبارت دیگر، می‌توان استدلال کرد که حتی با خروج نیروهای ناتو از افغانستان، خلاء برای پرکردن وجود ندارد. در اکتبر ۲۰۱۴، طی چهارمین کنفرانس وزرا در فرایند استانبول که در پکن برگزار شد، وزیر خارجه چین با "جان پودستا"<sup>۱</sup>، دستیار رئیس جمهور آمریکا و رئیس هیات آمریکایی دیدار کرد (MFA, Oct 2014). در این دیدار؛ وی روشن ساخت که چین مایل به تقویت ارتباط و همکاری با ایالات متحده است تا در آشتی سیاسی افغانستان و بازسازی صلح نقش سازنده‌ای ایفا کنند. در واقع، چین و ایالات متحده در حال حاضر در افغانستان از جمله در آموزش دیپلمات‌های افغان بایکدیگر همکاری می‌کنند. چین و ایالات متحده دو قدرت بزرگ حاضر در گفتگوهای صلح افغانستان بین دولت و طالبان بودند که در جولای ۲۰۱۵ در پاکستان برگزار شد. در ژانویه ۲۰۱۶، چین، افغانستان، پاکستان و ایالات متحده یک گروه هماهنگی چهارجانبه تشکیل دادند که در کمتر از شش ماه، پنج نشست برگزار کرد. چین همچنین قردانی خود را از مثلث همکاری

---

<sup>1</sup>. John Podesta

با افغانستان و ایالات متحده در عرصه توسعه ابراز کرد. چین و ایالات متحده سعی دارند تا همکاری‌های خود را در زمینه مصالحه سیاسی و انتقال سیاسی پایدار در افغانستان توسعه دهند. با تهدید تروریسم و افراط‌گرایی بین‌المللی که دامنگیر همه کشورها شده است، ترویج فرایند صلح در افغانستان و حفظ ثبات در این منطقه اهمیت ویژه‌ای برای دو قدرت بزرگ دارد (Huasheng, 2016: 907-908).

### تغییر در مسئولیت منطقه‌ای چین

چینی‌ها نمی‌خواهند، طالبان دوباره به قدرت بازگردد و نگران هستند که پس از خروج نیروهای ائتلاف ناتو از افغانستان، طالبان بار دیگر این خلاء قدرت را پر کند. آنها همچنین تمایل ندارند، نیروهای آمریکایی در همسایگی آنها حضور داشته باشند. البته، چین به لحاظ نظامی قصد ندارد پس از خروج نیروهای آمریکایی و ناتو از افغانستان به این کشور وارد شود. با این حال، این احتمال وجود دارد که پکن یک رویکرد جدید در جهت مرزهای مجاور خود داشته باشد (Gary, 2013). به گفته آندره اسمال<sup>۱</sup>، کارشناس چینی، چیزی که در کشور های آسیای مرکزی اتفاق افتاده این است که چین تنها بازیگری است که می‌تواند سرمایه‌گذاری مورد نیاز آسیای مرکزی و افغانستان را تامین کرده و موفقیت کسب کند (Stratagem, 2013). یک افغانستان باثبات برای رسیدن چین به اوراسیا<sup>۲</sup> اهمیت حیاتی دارد و علاوه بر این، پکن نمی‌تواند به دنبال خروج نیروهای آمریکایی و در فرایند انتقال سیاسی افغانستان بی‌تفاوت باشد. توافق دوستی استراتژیک بین چین و افغانستان در ۲۰۱۲ با اشاره به منافع چین در دوره پس از ۲۰۱۴ امضا شد. چین از این واژه دارد که اگر طالبان به قدرت بازگردد، تاثیر بزرگی بر گروه جدایی طلب جنبش اسلامی ترکستان شرقی در چین بگذارد (Greene, 2012). چین نقش مهمی در زمینه‌های مختلف افغانستان دارد و برای این منظور، این کشور در حال حاضر منافع را از توافقات دوره پیش از خروج اتحاد جماهیر شوروی از افغانستان به دست آورده است. خط لوله گاز آسیای مرکزی مهم‌ترین تصویر خیزش چین در افغانستان است. با این حال، علائمی وجود دارند که چین در حال ارزیابی مجدد و تجدیدنظر در مسئولیت منطقه‌ای است. این امر متأثر از دو موضوع است؛ از

<sup>۱</sup>. Andrea Small

<sup>۲</sup>. Urasia



یک طرف، پکن از تحولات آسیای مرکزی در مقابل شرایط ناشی از فشار مجدد مسکو برای ادغام اوراسیا پس از خروج نیروهای ائتلاف ناتو از افغانستان نگران است و از طرف دیگر، چین از تداوم حضور نیروهای ایالات متحده در منطقه نگران است. در دوره پس از ۲۰۱۴، فرض بر این است که چین به خاطر مسئولیت عمده خود به منظور توازن سازی در افغانستان به دقت گام‌های بلندی را برخواهد داشت، اما پکن هنوز تمایل دارد تا از تبعات جنگ و خلاء امنیتی به دور بماند و در عین حال حضور طولانی مدت ایالات متحده در افغانستان را کمتر تایید کند. چین همیشه دنبال این بوده است تا آسیای مرکزی را به عنوان حیاط خلوت<sup>۱</sup> خود به جای روسیه در اختیار داشته باشد و این مسئولیت‌های منطقه‌ای خاصی است که چین هنوز نتوانسته به این هدف دست پیدا کند. به خاطر مسائل امنیتی، منافع اقتصادی و ابتکار جاده ابریشم جدید و همچنین رقابت با قدرت‌های بزرگ چین مجبور خواهد بود تا یک استراتژی مناسبی برای آسیای مرکزی و افغانستان اتخاذ کند (Muhammadkhan, 2015:5).

### نتیجه‌گیری

تعامل چین با افغانستان را می‌توان از سه منظر مورد بررسی قرار داد. دیدگاه نخست از منظر امنیتی به موضوع نگاه می‌کند. از این منظر، با آغاز حملات آمریکا به افغانستان چین نیز همانند سایر کشورهای منطقه از جمله ایران، یکی از مهم‌ترین تهدیدهای امنیتی خود یعنی طالبان را در حال نابودی می‌دید، اما حضور نظامی آمریکا در همسایگی این کشور خود تهدیدی به مراتب بزرگ‌تر به شمار می‌آمد که باید به نحوی مقتضی مدیریت و حل‌وفصل می‌شد. از این‌رو، چین هرچند از حضور نیروهای آمریکایی در افغانستان خرسند نبود، اما خروج زود هنگام نیروهای آمریکایی از افغانستان را نیز به دلیل پایدار ماندن بی‌ثباتی و ناامنی در این کشور سیاستی درست نمی‌دانست. از این‌رو، دولت چین در این بازه زمانی تلاش داشت با کمک‌های توسعه‌ای، خود را به عنوان یک همسایه مسئولیت‌پذیر در کنار دولت افغانستان معرفی نماید و از فرصت‌های به دست آمده در حوزه اقتصادی این کشور به نحو مطلوب بهره‌برداری نماید. نظر دوم به بعد اقتصادی روابط مربوط می‌شود. از این منظر چین تنها

---

<sup>۱</sup>. Back Yard

ذی‌نفع در منافع اقتصادی منطقه آسیای مرکزی و افغانستان است و بنابراین، سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی را در جاهایی که احساس می‌کند امن و مطمئن هستند مثل «معدن مس عینک و منطقه آمودریا» انجام می‌دهد. به همین منظور، چین به مدت طولانی در پی زمان مناسب بوده و برای استراتژی آینده در افغانستان و مشارکت صمیمی خود صبر کرده است. این نظر در عرصه عمل و با بیانیه هو جین تائو که وعده داد نقش مهمی در ثبات سازی افغانستان پس از ۲۰۱۴ بازی کند، تقویت شده است. دیدگاه سوم، جایگاه افغانستان را به عنوان عاملی مستقل و نه در پرتو آمریکا و ناتو برای چین در نظر می‌گیرد. چین برای بازگرداندن ثبات به افغانستان رفتاری متمایز از آنچه آمریکا در ۱۳ سال اشغال این کشور انجام داده است دنبال می‌نماید. سیاست چین مبتنی بر حداقل حضور نظامی این کشور در افغانستان و تلاش برای حل و فصل سیاسی مشکلات امنیتی افغانستان با حضور همه نیروهای منطقه‌ای و مؤثر داخلی و خارجی است. از این رو، چین برای بازگرداندن امنیت در افغانستان نه تنها از متحد دیرینه خود یعنی پاکستان و حمایت از دولت مرکزی افغانستان بهره می‌گیرد، بلکه به حمایت روسیه و ایران نیز در این موضوع امیدوار است. حتی چین مذاکره با طالبان را نیز برای دستیابی به امنیت در افغانستان در دستور کار خود قرار داده است.

از این منظر، افغانستان از سال ۲۰۱۲ جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی چین پیدا کرده است. بخشی از این اهمیت به خاطر رهبری جدید چین تحت حمایت شی جین پینگ است که دیپلماسی جدید همسایگی را در ۲۰۱۳ آغاز کرد و روابط دوستانه با همسایگان را در راس برنامه سیاست خارجی چین قرار داد. تلاش برای ساخت جاده ابریشم جدید اهمیت استراتژیک این دیپلماسی همسایگی را بیشتر کرده است. از میان دولت‌های همسایه چین که جزء مناطق خطرناک هستند، افغانستان طبیعتاً اهمیت جدیدی در حکومت چین به دست آورده است و بر این اساس تعامل فعال با کابل را دنبال می‌کند. همچنانکه در این مقاله بحث شد، مناسبات نزدیک چین با افغانستان در تعاملات گسترده بین رهبران و مقامات ارشد دو کشور انجام شده است و بر این اساس پکن کمک‌های دوجانبه خود را به افغانستان افزایش داده است. از همه مهم‌تر، چین رایزنی‌های نزدیکی با همسایگان افغانستان و همسایگان نزدیک خود داشته است تا از انتقال سیاسی و مصالحه ملی در افغانستان حمایت کند. چین حتی نقش میانجی قابل توجهی با همکاری پاکستان، ایالات متحده در آوردن حکومت افغانستان و طالبان به پای میز مذاکرات صلح بازی کرده است. از آنجا که افغانستان چالشی برای دیپلماسی جدید همسایگی

چین و استراتژی این کشور برای ساخت جاده ابریشم باقی می‌ماند، اهداف محدود امنیتی و استراتژیک چین تنها می‌تواند در همکاری با دیگر قدرت‌های بزرگ و دولت‌های منطقه که منافع خود را برای صلح و ثبات در افغانستان توسعه داده‌اند، تحقق یابد نه علیه آنها. برای گسترش ثبات در افغانستان، نیاز مبرمی برای کشورهای منطقه وجود دارد تا نقش بی‌طرف و حیاتی در افغانستان را از طریق سازوکار همکاری منطقه‌ای بازی کنند. اهمیت جغرافیایی-اقتصادی افغانستان همچنین سرمایه‌گذاری‌های چشمگیر چینی‌ها در آن کشور نشان می‌دهد دو کشور برای ارتقاء روابط خود و حمایت از همکاری‌های اقتصادی تمایل دارند. با استفاده از سازوکار همکاری منطقه‌ای، وضعیت پیچیده، شرایط امنیتی نامعلوم، اقتصاد ضعیف و شکننده و جامعه تقسیم شده افغانستان می‌تواند به حالت طبیعی برگردد و در نتیجه، روابط برابر با بقیه جهان داشته باشد. برای این منظور، چین نیاز دارد تا سیاست پس از ۲۰۱۴ خود را برای ثبات افغانستان از طریق سرمایه‌گذاری اقتصادی و بازسازی طراحی کند. این کشور همچنین باید کمک کند، تسهیلات لازم مثل شبکه ارتباطات، خدمات آموزشی و بهداشتی، آموزش نیروهای پلیس و ارتش ملی افغانستان با همکاری ایالات متحده و بسیاری دیگر از کشورهای بین‌المللی و منطقه‌ای فراهم گردد. مطمئناً در مقایسه با رنج فزاینده غرب در افغانستان در دهه اول قرن ۲۱ میلادی، چین می‌تواند خود را ضامن صلح، ثبات و امنیت افغانستان و متعاقب آن صلح، امنیت و ثبات آسیای جنوبی در قرن آسیایی قرار دهد. در حقیقت، رشد قدرت چین نمی‌تواند و نباید به منزله رویکرد تقابلی نسبت به همسایگان آن به خصوص افغانستان باشد؛ جایی که ناتو و ایالات متحده هنوز تفوق خودشان را حفظ می‌کنند. اگر تلاش‌های کنونی چین در مورد افغانستان با شکست روبه‌رو شود، یکی از گزینه‌های مشخص و احتمالی عدم همکاری و عقب نشینی چین از این کشور خواهد بود. اما باید در نظر داشت که منافع چین در اجرای طرح‌ها چند میلیارد دلاری این کشور در افغانستان آنقدر از اهمیت برخوردارند که مانع از عقب نشینی و قطع ارتباط کامل چین و افغانستان خواهد شد. گزینه‌های دیگری نیز پیش روی چین وجود خواهد داشت که از این میان می‌توان به دخالت نظامی محدود و همچنین تلاش برای تقویت سازمان همکاری شانگهای و تبدیل این سازمان به یک نیروی قوی‌تر در جهت راه اندازی عملیات ضدتروریستی در خاک افغانستان اشاره کرد. این مهم به ویژه زمانی ممکن است در دستور کار قرار گیرد که ابتکارهای امنیت ساز دیگر به نتیجه نرسد و چین منافع حیاتی خود را در سین کیانگ در خطر ببیند.

### منابع و مأخذ

- ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۸۶)، "تأملی بر مبانی و فرهنگ مکتب کپنهاگ"، فصلنامه سیاست خارجی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۸.
- اطاعت، جواد و احمدی، ابراهیم (پاییز ۱۳۹۴)، "تحلیل ژئوپلیتیک روابط پاکستان و همسایگان: تنش‌ها و تهدیدها"، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره ۲۴.
- عسگری، محمود (۱۳۸۲)، "منطقه‌گرایی و پارادایم امنیت منطقه‌ای"، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۸ و ۷.
- نصری، قدیر (پاییز ۱۳۸۴)، "تأمل روش شناختی بر مکتب بافتار منطقه‌ای امنیت"، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۲۹.
- وثوقی، سعید، فلاحی، احسان و حیدری، قربانعلی (پاییز ۱۳۹۳)، "تبیین جایگاه افغانستان به عنوان کانون چند زیرسیستم منطقه‌ای با تأکید بر منطقه آسیای جنوبی و نقش هندوستان"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۷.
- ویلیامز، پل (دی ۱۳۹۰)، "درآمدی بر بررسی‌های امنیتی"، ترجمه علیرضا طیب، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- یونسیان، مجید (۱۳۸۴)، "روابط تجاری شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه اروپا، دو سوی یک معامله؟" خاورمیانه (۴)، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ایران معاصر تهران.
- AFP (28 December 2011), "Afghanistan Signs First Major Oil Deal with China", *Space Daily*, Available at: [http://www.spacedaily.com/reports/Afghanistan\\_signs\\_first\\_major\\_oil\\_deal\\_with\\_China\\_999.html](http://www.spacedaily.com/reports/Afghanistan_signs_first_major_oil_deal_with_China_999.html), Accessed on: 19 October 2016.
- Afghanistan President Meeting with Fang Fenghui (1 March, 2016), Available at: [http://www.mod.gov.cn/diplomacy/2016-03/01/content\\_4645532.htm](http://www.mod.gov.cn/diplomacy/2016-03/01/content_4645532.htm). Accessed on: 12 October 2016.
- "First round of China–Afghanistan–Pakistan trilateral strategic dialogue held in Kabul" (10 Feb. 2015), *Ministry of Foreign Affairs*, Available at: [http://www.fmprc.gov.cn/mfa\\_eng/wjbxw/t1236606.shtml](http://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/wjbxw/t1236606.shtml). Accessed on: 14 September 2016.
- Beeson, Mark and Fujian, Li (Jan. 2015), "What consensus? Geopolitics and policy paradigms in China and the United States", *International Affairs* 91.
- Buzan, Barry (2006). Available at: <http://www.ise.ac.UK/People/b.g.buzan@ise.ac.UK>

- Cordesman, Anthony (26 September 2014), "US strategic vacuum in Afghanistan, Pakistan, and central Asia", *Washington DC: CSIS*.
- Daishi, K (21 September 2009), "Can Envision A Time When China & Afghanistan Share An Open Border", *Our World Forum II at Asia wind*.
- Daud, Malaiz (2014), "Afghanistan and the Regional Powers: An Overview of 2013", *Barcelona Centre for International Affairs*.
- Dhaka, Amrish (2013), "Factoring Central Asia into China's Afghanistan Policy," *Hanyang University*, Volumes 5, Issues, Available at: <http://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S1879366513000286>, Accessed on: 4 September 2016.
- Downs, E. S (21 February 2013), "China Buys into Afghanistan", *The SAIS Review*, Available at: <http://www.brookings.edu/research/papers/2013/02/21-china-afghanistan-downs>, Accessed on: 18 September 2016.
- Embassy of the People's Republic of China in the Islamic Republic of Afghanistan (EPRC) (31 Jan. 2015), "General situation of economic and trade cooperation between China and Afghanistan", Available at: <http://af.china-embassy.org/chn/zagx/ztgk/t1097560.htm>. Accessed on: 11 October 2016.
- Ganguly, Sumit & Howenstein, Nicholas (2009), "India-Pakistan Rivalry in Afghanistan", *the Trustees of Columbia University in the City of New York*, Available at: <http://jia.sipa.columbia.edu/india-pakistan-rivalry-afghanistan/>, Accessed on: 24 September 2016.
- Gary, D. (30 January. 2013), "Afghanistan, First Russia, then the USA, Next China", Available at: [http://www.Notsosilentthoughts.com/2013\\_01\\_01\\_archive.html](http://www.Notsosilentthoughts.com/2013_01_01_archive.html).
- Greene, S (11 June 2012), "China, Afghanistan Deepen Ties", *China Digital Times*, Available at: <http://chinadigitaltimes.net/2012/06/china-afghanistan-deepen-ties/>, Accessed on: 9 September 2016.
- Guo, Shengkun (1 December 2014), "Meeting of with President of Afghanistan: determined to combat terrorist forces of the Eastern Turkestan Islamic Movement", Available at: <http://news.china.com/domesticgd/10000159/20141201/19028539.html>. Accessed on: 19 August 2016.
- Hong, Zhao (2013), "China's Afghan Policy: The Forming of the March West strategy?", *Institute for National Security Strategy*.
- Huasheng, Z. (2012), "China and Afghanistan: China's Interests, Stances, and Perspectives", *Centre for Strategic and International Studies. Washington, DC*.
- Huasheng, Zhao (2016), "Afghanistan and China's new neighbourhood diplomacy", *The Royal Institute of International Affairs*.
- Huasheng, Zhao (May/June 2011), "Russia and the Afghanistan issue", *China International Studies*, no. 28.

- Jethro, Mullen and Sophia, Saifi (8 July 2015), "Afghan officials hold talks with Taliban in Pakistan", *CNN*, Available at: <http://edition.cnn.com/2015/07/08/asia/afghanistan-taliban-meeting-pakistan/>. Accessed on: 9 October 2016.
- "Joint statement on deepening strategic partnership by the People's Republic of China and the Islamic Republic of Afghanistan", (29 Oct. 2014), Available at: [http://www.fmprc.gov.cn/mfa\\_chn/zyxw\\_602251/t1205144.shtml](http://www.fmprc.gov.cn/mfa_chn/zyxw_602251/t1205144.shtml). Accessed on: 28 September 2016.
- Keqiang, Li (31 Oct. 2014), "Opening statement to the fourth ministerial conference of the Istanbul Process", Available at: [http://www.fmprc.gov.cn/mfa\\_chn/zyxw\\_602251/t1206165.shtml](http://www.fmprc.gov.cn/mfa_chn/zyxw_602251/t1206165.shtml). Accessed on: 16 October 2016.
- Khalilzad, Zalmay (3 Nov. 2014), "Why Afghanistan courts China", *The New York Times*, Available at: <http://www.nytimes.com/2014/11/04/opinion/why-afghanistan-courts-china.html>. Accessed on: 19 August 2016.
- Kim, Younkyoo and Indeo, Fabio (2013), "The New Great Game in Central Asia Post 2014: The US 'New Silk Road' Strategy and Sino-Russian Rivalry", *Communist and Post-Communist Studies* 46.
- Kuhn, A. (2009), "China Becomes A Player in Afghanistan's Future", *NRP News*. Available at: <http://www.npr.org/templates/story/story.php?storyId=113967842>, Accessed on: 19 October 2016.
- Lin, C. (2011), "China's Silk Road Strategy in AfPak: The Shanghai Cooperation Organization", *ISPSW*.
- Ludwig, Jonathan (2013), "Sixty years of Sino-Afghan relations", Vol. 26, No.2. Available at: <http://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/09557571.2013.790585?journalCode=ccam20#preview>, Accessed on: 29 September 2016.
- Lynne O'Donnell (March 20, 2014), "China's MCC turns back on US\$3b Mes Aynak Afghanistan mine deal", *South China Morning Post*. Available at: <http://www.scmp.com/news/world/article/1453375/chinas-mcc-turns-back-us3b-mes-aynak-afghanistan-mine-deal>. Accessed on: 5 October 2016.
- *Middle East Press* (25 August 2016), "Special Railway Transportation Between China, Afghanistan Inaugurated", Available at: <http://middleeastpress.com/english/special-railway-transportation-between-china-afghanistan-inaugurated/>, Accessed on: 30 September 2016.
- Ministry of mines (Islamic Republic of Afghanistan) (IRA) (28 Aug. 2013), "China wants to revise contract to develop the Aynak mine", Available at: <http://www.afghanistan.ru/doc/63609.html>. Accessed on: 17 September 2016.
- Missy, Ryan (12 January 2015), "Watchdog: Afghanistan unable to properly track pay police", *The Washington Post*. Available at: <http://www.washingtonpost.com/news/checkpoint/wp/2015/01/12/watchdog-afghanistan-unable-to-properly-track-pay-police>, Accessed on: 27 August 2016.

- Ministry of Foreign Affairs, China and Afghanistan's bilateral relations (August, 2014), Available at: [http://www.fmprc.gov.cn/mfa\\_chn/gjhdq\\_603914/gj\\_603916/yz\\_603918/1206\\_603920/sbgx\\_603924](http://www.fmprc.gov.cn/mfa_chn/gjhdq_603914/gj_603916/yz_603918/1206_603920/sbgx_603924). Accessed on: 12 October 2016.
- Mohammadi, Tahera (June 2015), "India and China's Policies Approach and achievement toward Afghanistan", *Department of International Comparative Politics of American University in Central Asia, Bishkek*.
- Morton, Katherine (July 2016), "China's ambition in the South China Sea: is a legitimate maritime order possible?", *International Affairs* 92: 4.
- Muhammadkhan, Raja (2015), "China's Economic and Strategic Interests in Afghanistan", *National Defence University-Islamabad, FWU Journal of Social Sciences*, Special Issue, Vol.1, No.1.
- President Xi Jinping holds talks with President Ghani (28 Oct 2014), Available at: [http://www.fmprc.gov.cn/mfa\\_chn/gjhdq\\_603914/gj\\_603916/yz\\_603918/1206\\_603920/xgxw\\_603926/t1204905.shtml](http://www.fmprc.gov.cn/mfa_chn/gjhdq_603914/gj_603916/yz_603918/1206_603920/xgxw_603926/t1204905.shtml). Accessed on: 16 September 2016.
- Panda, A. (29 October 2014), "Afghanistan and China Open a New Chapter", *The Diplomat*, Available at: <http://thediplomat.com/2014/10/afghanistan-and-china-open-a-new-chapter/>, Accessed on: 11 August 2016.
- Pant, Harsh V. (June 2010), "India in Afghanistan: a Test Case for a Rising Power", King's College London, UK Routledge: Vol.18. No. 2.
- Pantucci, R. (5 April 2013), "China's Afghanistan Challenge", *The Diplomat*. Available at: <http://thediplomat.com/2013/04/chinas-afghanistan-challenge/>, Accessed on: 22 August 2016.
- Pantucci, R. (5 July 2013), "How China is Seen in Afghanistan", *Oriental Morning Post*. Available at: <http://raffaelopantucci.com/2013/07/05/how-china-is-seen-in-afghanistan/>, Accessed on: 15 August 2016.
- Pantucci, Raffaello (27 February 2015), "Will China Bring Peace to Afghanistan", *Rusnews Brief*, Available at: <http://chinaincentralasia.com/2015/03/08/will-china-bring-peace-to-afghanistan/>, Accessed on: 19 October 2016.
- Shannon, Tiezzi (7 Jan. 2015), "China Hosted Afghan Taliban for Talks: Report", *The Diplomat*, Available at: <http://thediplomat.com/2015/01/china-hosted-afghan-taliban-for-talks-report/>. Accessed on: 19 October 2016.
- State Council Information Office (21 Jan 2002), "The Eastern Turkistan Terrorist Forces are Guilty", (*SCIF*) Available at: <http://www.people.com.cn/GB/shizheng/3586/20020121/652705.html>. Accessed on: 2 October 2016.
- The Ministry of Transport has Adopted the Draft of OBOR, with a Focus on Infrastructure Building and Integrated Transportation (4 June 2015), *China Reform*, Available at: [http://www.chinareform.org.cn/open/news/201506/t20150604\\_226892.htm](http://www.chinareform.org.cn/open/news/201506/t20150604_226892.htm). Accessed on: 19 September 2016.

- Waldman, Thomas (2014), "Reconciliation and Research in Afghanistan: an Analytical Narrative", *International Affairs*, No. 90: 5.
- Xi Jinping's diplomatic strategy of New type of Great Power Relations (13 February 2016), Available at: <http://news.sina.com.cn/c/2016-02-13/doc-ifxpmpt1137133.shtml>. Accessed on: 11 September 2016.
- Yi, Yang (8 March 2014), "China to Hold International Conference on Afghanistan Issue", Available at: <http://bit.ly/1PSvy3q>. Accessed on: 19 September 2016.
- Yi, Wang (1 Nov. 2011), "Explaining the Three Main Outcomes of the Beijing Ministerial Conference of the Istanbul Process and Urging all Parties to Carry out the Beijing Declaration to Bring Afghanistan Lasting Peace", Available at: [http://www.fmprc.gov.cn/mfa\\_chn/gjhdq\\_603914/gj\\_603916/yz\\_603918/1206\\_603920/xgxw\\_603926/t1206424.shtml](http://www.fmprc.gov.cn/mfa_chn/gjhdq_603914/gj_603916/yz_603918/1206_603920/xgxw_603926/t1206424.shtml). Accessed on: 8 October 2016.
- Yi, Wang (1 November 2014), "China is Willing to Play Constructive Role in Peaceful Reconciliation Process of Afghanistan", Available at: [http://www.fmprc.gov.cn/mfa\\_eng/wjb\\_663304/zzjg\\_663340/yzs\\_663350/gjlb\\_663354/2676\\_663356/2678\\_663360/t1207127.shtml](http://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/wjb_663304/zzjg_663340/yzs_663350/gjlb_663354/2676_663356/2678_663360/t1207127.shtml). Accessed on: 12 August 2016.
- Yi, Wang (12 Feb. 2015), "Resolving the Afghanistan Issue Requires the Strengthening of Four Types of Support", Available at: [http://www.fmprc.gov.cn/mfa\\_chn/zyxw\\_602251/t1237243.shtml](http://www.fmprc.gov.cn/mfa_chn/zyxw_602251/t1237243.shtml). Accessed on: 10 September 2016.
- Zhenmin, Liu (31 December 2013), "Forging Ahead with Determination, Playing the Main Melody of Asian Cooperation", Available at: [http://www.fmprc.gov.cn/mfa\\_eng/wjdt\\_665385/zyjh\\_665391/t1114403.shtml](http://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/wjdt_665385/zyjh_665391/t1114403.shtml). Accessed on: 17 October 2016.
- Zeng, Jinghan, Yuefan Xiao and Shaun, Breslin (2, March 2015), "Securing China's Core Interests: the State of the Debate in China", *International Affairs*, No.91.